

نگاهی به آزادی مدرن، ذیل تبیین سارتر از آن

جمع آزادی با عافیت طلبی؟



بوده است یا تغییرات و دگرگونی هایی که در ساخت های اجتماعی و سیاسی به وجود آمده است حاصل تصمیمات خود اشخاص بوده که این اوضاع جدید می تواند خوشایند و رضایت بخش یا ناپسند و غیرقابل قبول و ناخوشایند باشد. هرچه هست محصول اراده و عمل بوده و مسئولیت همه آنچه که رخ داده است برعهده صاحبان اراده و عمل و آزادی است. حال مشخص است که آزادی از این منظر تا چه اندازه می تواند اضطراب آور و تکان دهنده باشد و تمام آزادی خواهان را با این پرسش مواجه کند که: «آیا آماده پذیرفتن مسئولیت پیامد انتخاب ها و عواقب اعمالی که از روی آزادی انجام داده اید هستید؟» یا صرفاً آزادی از آن جهت مطلوب است که مسئولیتی متوجه افراد نباشد و بتوانند مشتبهات خود را - آن طور که می خواهند - پاسخگویند؟

روبه رو شدن با چنین خودآگاهی و مسئولیتی در اعماق ضمیرمردم، میل و دستیابی به آزادی را با تردیدهای جدی روبه رو کرده و زمینه را برای واگذاشتن آزادی و «تحت قیمومیت درآمدن» مهیا کرده و میل به گریز و حتی نفی آزادی را فراهم می کند. بدین گونه که افراد برای اینکه از تحقیق در نتایج اندیشه ها و انتخاب های خود به دور باشند و مسئولیتی بابت طرح و تحلیل های من عندی و قضاوت هایشان به عهده نداشته باشند پس ناخودآگاه از دست یازیدن

آنچه در عالم پیش می آید، مسئول است. سارتر گفته است: «من ناچارم مسئول باشم.» انسان مدنظر سارتر که در عالم به خود واگذاشته شده و خود را تنها و بی پناه می یابد، لاجرم خود را مسئول می شناسد. می دانیم که انسان به خود واگذاشته شده و تنها و بی پناه، انسان مدرن است. سوزهای منفک و بلکه مقابل با «دیگران.» ما مورد و ابژه دیگری هستیم و دیگری نیز بنیاست مورد و ابژه ما باشد و از همین رو است که «دیگری دوزخ است.»

پس با تبیینی دقیق تر از معنای مدرن آزادی و نه صرفاً با تحلیل مفهومی و انتزاعی از آن، می دانیم که نمی توان آزادی را به گریز از مسئولیت یا ارضای امیال تقلیل داد بلکه فرد آزاد مدرن چون با بی پناهی مواجه است، نهایتاً خود را مسئول می یابد، مسئولیتی که پیش از این گویا دیده نمی شد یا مورد غفلت بود. آزادی نفس پیش تر، مطلوب و دلپسند دانسته می شد، لکن نزد سارتر این آزادی خود «ناگزیر» و «بار» و «جبر» است.

با تفسیر سارتر از آزادی مدرن، خواهیم دانست که ناسیون و ملت مدرن چندان مستحکم نیست و البته دعوت سارتر از افراد برای تفرعن و آزادی فرعونی هم نمی تواند به «وحدت» و «جامعه و اجدر روابط قلبی» منجر شود. این «جمع پراکنده» روابطی دوزخی دارند و میان شان رفق و صفا و برادری و فداکاری نیست. به یاد داریم که آزادی و برابری و برادری سه شعار انقلاب فرانسه بود و اکنون می بینیم که برادری و برابری و آزادی با هم جمع نمی شوند بلکه در وضع مدرن، ممکن هم نیستند. به این ترتیب هرچه معنای مدرن آزادی را جدی تر بگیریم و به سوی آن برویم، امکان اجتماع و وحدت و همبستگی از دست می رود.

باز باید گفت که انسان عافیت طلب وقتی به دنبال آزادی می افتد، با پارادوکسی نیز مواجه است: «درک آزادی و مسئولیت با عافیت طلبی سازگار نیست.» اما همان طور که تبیین های مختلف از آزادی - به معنای مدرن آن - شده است، معانی دیگری از آزادی نیز در کار است. آزادی مدرن - چه اضطراب آور و چه لذت بخش - صرفاً یک تلقی از آزادی است: «آزادی نفس.» آزادی از «آزادی نفس» نیز تلقی متفاوتی است. در این نوع آزادی است که فداکاری و مدارای حقیقی خواهیم داشت. انسان تا جایی که اناالحق فرعونی می زند و خویشترن را اصل و پناه و مأوای خویش می داند، اهل فداکاری نخواهد شد و تشکیل «اجتماع» قویم و محکمی نخواهد داد ولی اناالحق منصوری - که در شعر شعری ما راجع به منصور حلاج به کار رفته است - می تواند به جمعیت و اتحاد حقیقی منجر شود.

نتیجه آنکه اولاً، در زمانه کنونی، تن آسانی با «تلقی مدرن از آزادی» قابل جمع نیست. ثانیاً، این آزادی با دیگرپذیری یا تشکیل اجتماع یا مسئولیت پذیری جمعی سازگار نیست. ثالثاً، گذشتن از این آزادی - یعنی آزادی نفس - به آن آزادی که ذیل آن اجتماع و مسئولیت پذیری و دیگرپذیری ممکن است، به آسانی و سهولت نخواهد بود گرچه در طلب و جست و جوی «آزادی از آزادی نفس» هم باشیم. یعنی مسائل و بحران ها سهل و آسان نیستند و راه حل های یک خطی و ساده هم ندارند. مدرنیته معانی دیگری پیش آورده است و آن معانی با هم نسبت و انسجام دارند و صرفاً با تغییر در مفهوم آزادی، بحران ها رفع نمی شود ولی فهم بحران ها خود می تواند آغازی برای تغییر باشد.

تجربه نگاری سیاست فرهنگی: کره جنوبی

مشارکت مردمی کمرنگ در فرهنگ

تعداد دانشجویان این رشته نیز بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر اعلام شده است. موضوعاتی که در این دانشکده ها و موسسات آموزش داده می شوند، عبارتند از: «موسیقی، تئاتر، فیلم، رسانه های تصویری پیشرفته، رقص و هنرهای فولکلور.»

هنرهای نمایشی در فرهنگ عمومی بسیار مورد استقبال قرار می گیرد و به همین دلیل دولت بخش های زیادی برای نمایش فعالیت های هنری و نمایشی ایجاد کرده است. از جمله رویدادهای هنری مهم کشور کره در زمینه هنرهای نمایشی می توان به: «جشنواره تئاتر سئول، جشنواره تئاتر کره، جشنواره رقص سئول، جشنواره رقص کره ای، جشنواره موسیقی سئول، مراسم اعطای جایزه به آهنگسازان کره ای، جشنواره هنرهای کره، جشنواره ارکسترهای سنتی کره و مسابقات موسیقی محلی کره اشاره کرد.»

روابط بینا فرهنگی

روابط بین المللی - فرهنگی کشور کره بر ارتقای فرهنگ کشور در آن سوی آبها و شرکت هنرمندان کره ای در رویدادهای بین المللی فرهنگی و همچنین انجام مبادلات فرهنگی با کشورهای جهان تأکید دارد. اگرچه وزارت فرهنگ به کمک وزارت خارجه و وزارت صنایع به فعالیت های بین المللی می پردازد، اما بخشی از فعالیت های خارجی عرصه فرهنگ به کمک سازمان های غیردولتی و برخی افراد حقیقی که در خارج از کره زندگی می کنند، انجام می شود. رویدادهای فرهنگی بین المللی نیز براساس موضوعات مختلف در کشور کره انجام می شود.

در نهایت باید گفت دولت کره بیشتر به موضوعات فرهنگی و مدیریت آن اهتمام ورزیده و تلاش می کند با آموزش و تشویق و برگزاری همایش های مختلف داخلی و خارجی، هر یک از موضوعات فرهنگی را توسعه دهد اما نقش حضور و مشارکت مردم کره در عرصه فرهنگ کمرنگ است. بنابراین در کشور کره نیز مانند اکثر کشورهای درحال توسعه، هدایت فرهنگی به نحو دولتی است.

سیّدعلی شاه صاحبی

دانشجوی فرهنگ و ارتباطات

کشور کره به عنوان یکی از کشورهای قدرتمند شرق آسیا، پس از جدایی از کره شمالی و پایان جنگ های بین دو کره، سیاست های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی را اتخاذ کرد. سیاست فرهنگی کشور کره به طور کلی از سوی دولت مرکزی طراحی و توسعه یافته است، گرچه البته متولی آن در چند دهه گذشته، سازمان های مختلفی بوده اند. وزارت فرهنگ و اطلاع رسانی، وزارت فرهنگ، وزارت تربیت بدنی و اکنون نیز وزارت جهانگردی؛ متولی اصلی اداره فرهنگ و سیاستگذاری در کره جنوبی است.

از زمانی که سیستم دولت محلی در سال ۱۹۹۵ در کشور کره معرفی شد دولت های محلی در راستای طرح ریزی و توسعه سیاست های فرهنگی و همچنین ایجاد سازمان های اداری جهت پرورش و ارتقای فرهنگ بومی شروع به فعالیت کردند. وزارت فرهنگ و جهانگردی کشور کره با تشخیص اهمیت فرهنگ در توسعه کشور و با شعار «قرن جدید برای فرهنگ از راه می رسد»، اقدام به ابداع برنامه های فرهنگی، ارائه سیاست فرهنگی جدید و الگوهای فرهنگی نو در هزاره سوم کرد.

ساختار فرهنگی

وزارت فرهنگ و جهانگردی بالاترین رده فرهنگی کشور کره محسوب می شود. رسالت این وزارتخانه، پیشنهاد و ارائه فرصت ها و موقعیت های یکسان به مردم به منظور بهره برداری از فعالیت های فرهنگی و آماده سازی ملت در جهت اتحاد ملی است. وظایف این وزارتخانه عبارتند از: پیشرفت و ارتقای فرهنگ جامعه، ارائه آموزش های هنری، ارتقای صنایع فرهنگی، برگزاری امور مذهبی، حفظ و نگهداری میراث فرهنگی، رسیدگی به امور جوانان، جهانگردی، ورزش، زبان و تبادلات فرهنگی بین المللی.»

تأمین مالی

بخش فرهنگ کشور کره دارای اقتصادی پویاست که به طور غیرمستقیم به اقتصاد ملی کشور کمک می کند. انجام تحقیقات در زمینه موضوعات فرهنگی و افزایش صادرات صنایع فرهنگی در سال ۱۹۹۴ نشان داد که فرهنگ کشور کره تأثیر مثبتی بر اقتصاد این کشور به میزان ۲/۸ درصد، بر ایجاد اشتغال به میزان ۳/۲ درصد و درآمدهای مالیاتی به میزان ۲۵ درصد به همراه داشته است. تأمین بودجه و هزینه بخش های فرهنگی - هنری دولتی، به عهده دولت های مرکزی و محلی و همچنین سازمان فرهنگی - هنری کشور کره است. بخش خصوصی فرهنگ و هنر



سیاست های ناحیه ای

میراث فرهنگی کشور کره یکی از اصلی ترین وجوه فرهنگی این کشور است. حفاظت و نگهداری از این میراث، مهم ترین وظیفه وزارت فرهنگ کره است. همچنین عمده بودجه فرهنگی این کشور صرف حمایت از میراث فرهنگی این کشور می شود. یکی دیگر از وجوه فرهنگی این کشور، آموزش هنر و کشف استعداد های خلاق در عرصه فرهنگ است. طبق آمار به دست آمده حدود ۲۵۵ دانشکده و ۳۵۷ دانشگاه هنر در این کشور وظیفه آموزش هنر و موضوعات پیرامون فرهنگ را برعهده دارند.